

راه توده

۲۰ صفحه

دوره دوم شماره (۲۵) مهرماه ۱۳۷۳

ایران را تسلیم چپا و لنگران خارجی می کنند

استقلال ملی در خطر است!

فوق العاده شماره ۵ «راه توده» (ضمیمه شماره ۲۵)

دوپیرروز

بزرگ

انتخابات

سوئد

سوئد-احمد (ص ۱۹)

سختی با همه توده ای ها (ص ۲۷)

توده ایها، بر سر دوراهی تاریخی!

* تلاش دارند، حساسیت نیروهای انقلابی را نسبت به خطر بسیار جدی مداخله امپریالیستی در کشور ما، کاهش دهند. پاره ای تصور می کنند، هر چند احتمال مداخله امپریالیستی در کشور ما وجود دارند، اما این مداخله بطورعمده همه زبان های آن، لاف اول این حسن را خواهد داشت، که سز ارتجاع حاکم را از سر مردم ما دور خواهد کرد. این تصور بسیار کوه کانه تر از آن است، که بتوان آن را جدی گرفت. آیا باید امپریالیست ها را تا این اندازه ابله به حساب آورد، که حتی برای یک لحظه این فکر را در مغز خود راه دهند، که دارنده های ارتجاعی را، که این همه به منافع آنها خدمت می کنند، کنار زده و حاکمیت را به نیروهای مترقی واگذار نمایند، که با منافع آنها مبارزه کند! کدام نمونه این چنین را در تمام تاریخ سراغ داریم، که توقع داریم کشور ما دومین آن باشد! اگر همه نیروهای مترقی و انقلابی درست عمل کنند و در راه بسیج توده های مردم بکوشند، روند تحولات در کشور ما، دیرتر یا زودتر، به کنار رفتن ارتجاع به نفع نیروهای مترقی خاتمه خواهد یافت و این یک پیروزی انکارناپذیر است. اما اگر پای مستقیم و آشکار نظامی امپریالیسم به تحولات داخلی ایران کشیده شود، هیچ تردید نباید داشت، که توده های مردم و نیروهای مترقی ایران بزرگترین بازنده خواهد و ارتجاع برنده کامل آن خواهد بود و درست به همین دلیل است، که ارتجاع در داخل و سلطنت طلبان در خارج، با این شدت و حدت بدنبال یافتن وسیله ای هستند، که بتوانند از آن طریق پای امپریالیسم را مستقیماً به زمین ما باز کنند.

* امکان اینکه جنبش توده ای کشور بتواند بطور مسالمت آمیز نیروی راستگرا و ارتجاعی را از حاکمیت خلع نماید، بیش از اندازه ناچیز بوده و احتمال مطرح شدن راه و روش های غیر مسالمت آمیز بسیار قوی است. بنابراین، مسئله این نیست، که اگر جنبش مردم توان کنار زدن «ولایت فقیه» و حتی فراتر از آن را داشته باشد، ما در مقابل آن بایستیم. مسئله این است، که عمده و غیرعمده را تشخیص دهیم. آنچه که اکنون عمده است، این است، که اگر قرار است رژیم «ولایت فقیه» کنار رود، اولاً کنار رفتن آن باید به دست نیروهای انقلابی و دمکراتیک صورت گیرد و ثانیاً این رژیم باید بتواند نماینده حاکمیت نیروهای راستگرا و ارتجاعی و حکومت کلان سرمایه داران برکشور و به مثابه یک مانع پیشرفت انقلاب از سر راه بر داشته شود و نه بعنوان یک رژیم و یا نظام «مذهبی»، که تنها به صرف مذهب بودن آن، لازم است نابود گردد. بدلیل قدرت جنبش مردمی، راستگرایان چون نمی توانستند بنام «خدانقلاب» بر کشور حکومت نمایند، بنام «انقلاب» به حکومت ادامه دادند.

* برای احزاب و سازمان های چپ، که در راه پیروزی انقلاب بهمین، اگر نه بیش از نیروهای مذهبی، لاف اول به اندازه آنان تلاش و فداکاری کرده اند، در صورت روی کار آمدن ضد انقلاب دست راستی «غیرمذهبی»، بار دیگر، جز قتل عام، چیز دیگری در انتظار آنها نیست، این همه تکرار و تکرار «مذهب» چه دلیلی می تواند داشته باشد!

ریشه های خشم مردم کجاست؟ (ص ۱)

«پاسخی»

که «سوخت و سوز» ندارد

ع. الهی (ص ۲)

از «در» نشد

از «پنجره»

ع. فرهاد (ص ۱۶)

«هائیتی»

پادگان جدید

ارتش آمریکا

م. کامیار (ص ۳)

«ثبات» و «وحدت»

آنگونه که باید باشد!

(ص ۱۸)